

افول و ظهور شیوهی تولید آسیایی

استفن پ. دون
ترجمه‌ی عباس مخبر



فهرست

| | |
|-----|--|
| ۱ | یادداشت مترجم |
| ۳ | پیشگفتار مؤلف |
| ۹ | بخش اول: افول و سقوط |
| ۱۱ | مقدمه |
| ۱۵ | افول و سقوط: ۱۹۲۹-۳۴ |
| ۴۳ | بخش دوم: تجدید حیات |
| ۴۵ | مقدمه |
| ۴۷ | دوران فترت: ۱۹۳۴-۶۴ |
| ۶۵ | پیش‌درآمدی بر تجدید حیات نسبی شیوهی تولید آسیایی ۱۹۴۸-۶۴ |
| ۷۷ | احیاء شیوهی تولید آسیایی |
| ۱۱۷ | پایان سخن |
| ۱۱۹ | نتیجه |
| ۱۲۲ | یادداشت‌ها |

افول و سقوط: ۱۹۲۹-۳۴

گزارش ما از مباحثات میان سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۴ که در جریان آن مفهوم شیوه‌ی تولید آسیایی کاملاً از عرصه‌ی نظریه‌ی مارکسیستی در شوروی کنار زده شد (۵) به بررسی دو سرفصل عمده خواهد پرداخت که بر دو مقطع عمده‌ی زمانی این بحث انطباق دارد. نخست، برهان‌های مستقلى را که توسط شرکت‌کنندگان در مباحثه مطرح شد پیش خواهیم کشید. سپس به دسته‌بندی آن پدیده‌های تاریخی خواهیم پرداخت که قبلاً زیر عنوان شیوه‌ی تولید آسیایی رده‌بندی شده بود، اما این مفهوم دیگر نمی‌توانست بر آنها انطباق یابد. به‌علاوه، مطالبی نیز درباره‌ی تغییرات ایجادشده در تعاریف سایر شیوه‌های تولید از جمله فئودالی و کلاسیک یا برده‌داری و تا حدودی شیوه‌ی تولید اشتراکی-اولیه ارائه خواهیم کرد. این تغییرات نتیجه‌ی مطالعاتی بود که به‌موجب آنها بعضی پدیده‌هایی که قبلاً زیر عنوان شیوه‌ی تولید آسیایی قرار می‌گرفت به نظام‌های اجتماعی دیگر منتسب می‌شد. برخورد ما با این مطلب سوم که واجد اهمیت و بحث‌انگیز است، در چارچوب تک‌نگاری حاضر، کامل نخواهد بود.

برهان‌های شرکت‌کنندگان در بحث ۱۹۲۹-۳۴ را می‌توان به‌راحتی به شرح زیر طبقه‌بندی کرد: (۱) برهان‌های مأخوذ از آثار مراجع که به نوبه‌ی خود به دو دسته تقسیم می‌شد. (الف) برهان‌های مثبت از جانب مراجع مثبت («خود مارکس شیوه‌ی تولید آسیایی را به‌مثابه یکی از دوره‌های توالی در شکل‌بندی اقتصادی جامعه توصیف کرده است، و ما به آنچه که او گفته است مقیدیم).

(ب) برهان‌های منفی از ناحیه‌ی مراجع مثبت، یا به صورت اثباتی («لنین به‌طور اخص شیوه‌ی تولید آسیایی را مردود شمرده است و ما به آنچه او گفته است مقیدیم»)، یا به صورت منفی («لنین در این مورد سکوت کرده است، بنابراین به‌رغم آنچه مارکس گفته است ما به این مفهوم مقید نیستیم»). (پ) برهان‌های منفی از ناحیه‌ی مراجع منفی («تروتسکی یا بوخارین یا کائوتسکی یا بعضی انحراف‌طلبان شناخته‌شده‌ی دیگر شیوه‌ی تولید آسیایی را پذیرفته‌اند، بنابراین ما باید آن را رد کنیم»). (۲) برهان‌های برآمده از نظریه‌ی مارکسیستی ناب. (۳) برهان‌های سیاسی. این سه نوع برهان غالباً در اظهارات یک مباحثه‌گر واحد و حتی در یک جمله‌ی واحد ترکیب می‌شوند.

برهان‌های مراجع

برهان‌های مراجع تا آن‌جا که به مارکس و انگلس مربوط می‌شود، بر اثر ویژگی‌های برخورد آنها با جامعه‌ی پیشاسرمایه‌داری پیچیده است؛ برخوردی که از محدودیت اطلاعات موجود در دسترس آنها ناشی می‌شود و منشأ و شکل آنها غالباً بحث‌انگیز است. آن دسته از آثار نظری مارکس که در زمان حیات خود او انتشار یافت، و نیز آثاری که طی مدت یک دهه پس از مرگ او به ویراستاری انگلس منتشر شد، عمدتاً به جامعه‌ی سرمایه‌داری مربوط می‌شود، و علاقه‌ی شدید او به مراحل پیشین تاریخ (که موجب شد انبوه عظیمی از یادداشت‌ها و صدها صفحه دست‌نوشته‌ی کامل را گردآوری کند) به‌طور عمده در یادداشت‌های پراکنده‌ای منعکس شد که به مسائلی از قبیل مالکیت زمین، آبیاری، و جایگاه نیروی کار مربوط می‌شود. دست‌نوشته‌ها و مقالات پراکنده‌ای که وی در آنها به تفصیل از «شکل‌بندی‌های اقتصادی پیشاسرمایه‌داری» بحث کرده است، عمدتاً پس از خاتمه‌ی مرحله‌ی اول مباحثات برگزار شده در اتحاد شوروی گردآوری شد یا انتشار یافت. بنابراین شرکت‌کنندگان در مباحثه در آن هنگام نمی‌توانستند برهان‌های مارکس را با آن وضوحی که برای پژوهندگان امروزی میسر است مدون کنند. (۴)

جمع‌بندی برهان مارکس و انگلس در مرحله‌ی اول مباحثه مشخصاً با مشکلاتی جدی روبرو بود. جانبداری مثبت یا مهاجم از این برهان در انحصار

مدافعان شیوهی تولید آسیایی بود که از نظر سیاسی در موضع تدافعی قرار داشتند و سرانجام، دست‌کم در آن مقطع زمانی، «بازنده‌ی این مباحثه شدند». از سوی دیگر، مخالفان شیوهی تولید آسیایی که به‌لحاظ سیاسی دست‌بالا را داشتند و خود را مارکسیست‌هایی فوق‌ارتدوکس معرفی می‌کردند ناگزیر شدند که از برخی اظهارات روشن‌مارکس و انگلس تفسیری جدید ارائه کنند یا از آن چشم‌پوشی نمایند. از جمله‌ی این اظهارات به‌ویژه می‌توان مطالب مندرج در پیشگفتار «نقد اقتصادی سیاسی» را که قبلاً نقل شد ذکر کرد. مخالفان شیوهی تولید آسیایی اساساً دو راه برای حل این مسئله پیشنهاد کردند. نخستین راه‌حل که نوتر و جسورانه‌تر بود توسط م. یا. گودس^۱ مطرح شد. وی مؤلف رساله‌ی اصلی ارائه‌شده به نشست بود که انجمن شرق‌شناسان مارکسیست در فوریه‌ی ۱۹۳۱ در مؤسسه‌ی شرق‌شناسی انیوکیدزه^۲ در لنینگراد برگزار کرد. گودس که این مسئله را انتخابی میان پذیرش شیوهی تولید آسیایی یا رد کردن نظر مارکس تلقی می‌کند، بی‌تردید راه‌حل دوم را برمی‌گزیند.

نمی‌توان عبارت مربوط به شیوهی تولید آسیایی را از گفته‌های مارکس حذف کرد؛ اما وظیفه‌ی ما تکرار کورکورانه‌ی این عبارت نیست، بلکه وظیفه‌ی ما تبیین این مطلب است که چگونه و چرا مارکس در مرحله‌ی خاصی از بسط نظریه‌ی خویش و در مرحله‌ی خاصی از بسط مکتب تاریخی به بیان دیدگاه‌هایی درباره‌ی ساخت اجتماعی شرق پرداخته است که از بعضی جهات تأیید نشده‌اند؛ زیرا اندیشه‌های معاصر ما درباره‌ی تکامل تاریخی کشورهای شرق وجود نظام اجتماعی ویژه‌ای از قبیل شیوهی تولید آسیایی را تأیید نمی‌کند. (۷)

گودس بر این واقعیت تأکید کرد که عبارت مارکس درباره‌ی شیوهی تولید آسیایی، پیش از آن‌که وی نوشته‌های ل. ه. مورگان درباره‌ی جامعه‌ی باستان را خوانده باشد نوشته شده است (در واقع، قبل از تحریر این آثار توسط مورگان)، و بنابراین در نظریه‌ی مارکس از تکامل جامعه شکاف‌های قابل ملاحظه‌ای وجود دارد. گودس، نظریه‌ی مارکس درباره‌ی شیوهی تولید آسیایی را نوعی حلقه‌ی

1. M. Ia. Godes

2. Enukidze